

او ادامه می دهد: «من بافت را می شناسم. کامواهای ترکیه قبلاً عالی بودند. الان کیفیت آنها هم پایین آمده است. ایرانی ها بد نیستند اتفاقاً اما رنگهایشان خوب نیست. ترک ها کالیته رنگی شان بالاست و رنگ های چرک و کشته هم زیاد دارند. ایرانی ها توتو رنگشان چندان خوب نیست و بیشتر رنگ های اصلی و تند می زنند اما تنه های ایرانی به اصطلاح گلوله نمی شود یعنی هرچه این لباس را ببویید نخش گلوله نمی شود و پُر نمی دهد. جنس های ترک اما عمدتاً این مشکل را دارند که البته از نظر من مشکل نیست چون هرچه درصد نخ پنبه بیشتر باشد، پُر می دهند. بیشتر است. الباس مصنوعی پُر نمی دهند اما به هر حال راحت و طبیعی بودن پشم و نخ پنبه را ندارند، البته قرار نیست که لباس را مادام العمر استفاده کنید.»

دور میدان حسن آباد منتهی رنگی و زنده است. مردان جلی که کاموا فروش ها سال هاست صبح کرکوها را بالا می زنند و ردیف های رنگی نخ را پیش روی عابران قرار می دهند. زمستان و تابستان، البته که در وقت کارشان در زمستان بیشتر است چون هوا سرد است و مردم بیشتر هوس می کنند یک ته بافتنی برای دلشان ببافند و البته بعضی ها هم از این راه امرار معاش می کنند، مثل خامنی که دارد در تعداد بالا خرید می کند و پنج تن کتان سرنگان می دهد که چه خبر است.

زن جوانی هم دنبال کامواهای تکرنگ
است که جلوی مغازه‌های تو کارزن مغفولی
گذاشته‌اند و چون تک یا نهایتا دو تا از ایشان
مانده، ارزان تر هستند. می‌گوید دستپن
می‌افد و نمونه کارهایش هم توی کیفش
هست و نشان می‌دهد و همان‌جا هم
مشتی پیدا می‌کند و یکی را می‌فروشد ۱۵
هزار تومان. یک دستپن با طرح لوزی‌های
درهم است. دختر بچه‌ای با لباس سفید
منگوله‌دار یک کاموای صورتی از بین
کاموهای بیرون می‌کشد و با ذوق به مادرش
نشان می‌دهد. پالتوی سفید با نخ‌های زرد
کمرنگ پوشیده، با پایپیراهن بافتنی نخ‌های
با جوجه‌های سفید حاشیه‌اش می‌افتم که
هنوز هم هست و اگر زبان داشت شاید قصه
آن ماشین بافندگی جادویی و آن روزها را
می‌فتم.

دور میدان حسن آباد
مثل همیشه رنگی و زنده
است؛ همان جایی که
کامو فروش ها سالهاست
صبح کرکره هارا بالا
می زنند و ردیف های رنگی
نخ را پایش روی عابران
قرار می دهند. زمستان و
تابستان؛ البته که رونق
کارشان در زمستان بیشتر
است چون هوا سرد
است و مردم بیشتر هوس
می کنند یک تکه بافتنی
برای دلشان ببافند و البته
بعضی ها هم از این راه
امرار معاش می کنند

قیمت‌ها هم به نسبت خوب است؛ البته که کامواگران شده و به همین دلیل آنطور که می‌گویند مجبور است از دستمزدهای خود کم کند. «برای سال خیلی بهتر سفارش می‌گیرفتم. با اینکه اوضاع کرونا بدتر بود و زیاد هم رفت‌وآمدی نبود اما سفارش‌های من بیشتر بود و حتی نمی‌رسیدیم همه را انجام دهیم. امسال تعداد سفارش‌ها کمتر شده، البته من چون تنها کار می‌کنم باطلع کار به زمان می‌برد و توصیه می‌کنم از همان تابستان سفارش دهند خصوصاً اگر چیزی مثل مانتو یا شلوار مدنظرشان است که زمان زیادی‌تری برای بافت لازم دارد.

مسلماً همه می‌دانند که کار دست قیمت بیشتری دارد اما خیلی‌ها به خاطر هزینه‌ای خیر سفارش دادن می‌گذرند یا چون خیلی دوست دارند یک کت که بافتنی سفارش دهند، به همان کلاه یا دستکش بسندند می‌کنند که قیمتش کمتر است. الان یک کلاه نهایتاً یک کلاف کاموا می‌برد که بین ۳۰ تا ۶۵ هزار تومان قیمت دارد. حالا کلاف کنید برای یک مانتو که حداقل ۸ کلاف می‌برد بجزر باید پول کاموا بدهم؛ البته اینها قیمت‌های معمول است و کامواهای مرغوب‌تر قیمت بالاتری دارند. مسلمان برای یک مانتو یا ژاکت که زحمت زیادی برای بافتش کشیده می‌شود، بهتر است کاموا مرغوب‌تری استفاده شود که کیفیت کار بالا باشد. کسانی که من را می‌شناسند می‌دانند از کار کم نمی‌گذارم اما به هرحال خودشان هم قیمت‌ها را می‌دانند. از طرفی با کارهای ماشینی همه می‌فراقتند؛ من ببیند چندان هم فرقی نمی‌کند. همین بافت‌های داخلی را ببینید چه قیمت‌هایی می‌دهند».

دختر جوان درس می‌گوید. بافت‌های حاضری که از آندره عاشقشان بودیم و از روزها هزاران و در سترس بود، این روزها برای خودشان قدر و قیمتی پیدا کرده‌اند. یک پلوریه اسکی زنانه است، بافت ساده و خیلی معمولی، ۷۰۰ هزار تومان. قیمت را تابعی برای خودم تکرار می‌کنم. فروشنده که دختر جوانی است، می‌گوید: «رنگ‌های دیگری هم موجود است، می‌توانید دوتا ببرید. خیلی رنگ‌های شیکی دارد.» پیش خودم خیلی می‌کنم دو رنگش می‌ی شود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، برای دوتا بافت

A man wearing a hat and a dark jacket sits in the center of a shop. He is surrounded by shelves filled with numerous skeins of colorful yarn and wool in various shades like red, blue, yellow, and grey. The shop appears to be a specialty store for knitting or weaving materials.

علی محمدی / ایران

رونق دوباره لباس های دستباف

وقتی بافتنی‌ها قصه می‌گویند

کرم نخودی خیلی به چشم نمی‌مندنویک
گرم‌های انگار پنهان شده بودند.

۴ سالها که سراسر عفت باغی می‌رفتیم و
انواع و اقسام لباس‌های خنثی را سفارش
می‌دادیم؛ پلپور، ژاکت، شلوار و شال و
کلاه. ماشین بافندگی عفت خاتم که با آن
خوب زندگی خودش و چهار تا بچه‌اش را
درمی‌آورد، برای من یک دستگاه جادویی
بود. بارها دیده بودم که مادر بزرگ یک تکه
لباس سر می‌انداخت و می‌بافت و می‌بافت
و بعد چند ماه بالاخره تمام می‌شد و به قول
خودش کوزش می‌کرد.

ماشین بافت اما سرعشت باور نکردنی بود،
مگر می‌شد یک مفتابی آدم به آن لباس
مگس‌رنگ و لعاب‌توی ژورنال برسد؟! با
ماشین بافت من شد. بافتش، موی فکنتک و

جاندار تری بودند.

یکه دوسالی است اما بساط یافت و بافتنی و برایتی هم پیدا کرده است. در سایه‌های بافتنی مد و لباس هنر می توانید طرح‌هایی را ببینید که خیلی شبیه بافتنی‌های دستباف هستند اما اگر خوش باشید که دیگر چه بهتر، کاری آدم‌ها این روزها دوست دارند بافتن است. درست بپوشند حتی بافتنی بافتنی چون اتفاقاً اینجوری نشان می دهد به قول خودمان حاضری نیست و برای بافتن زحمت کشیده شده و از این رو از شما ممنوع است.

شدن خرد دانشجوی معماری ایست. بافتنی، ایست. راز از چگایی یاد گرفته، از مادرش. خودش این ارباب معرفشی نشسته و گفته عاشق بافتن، ارباب بافتنی می گردد و عشق نمونه کا هاشا، از احمد در صبحگاه شاد گشته است.

عفت خادم یک دستگاه بافندی داشت
و یک زورنال که می‌توانست هر طرحی را
از داخل آن انتخاب کنی و سفارش دهی.
برای من هفت ساله، پیراهن بافتنی خودی
یا جوجه‌ای سفید خالصه‌امندش افتاد
قشنگ بود که انگشتم را از رویش بردارم.
دامش داشت بالا و نگاه‌ای اخذت به دختر
خندان توی عکس که روی من خام‌خام شده
بود که گلی را بو کند. یاد می‌آید از انتخاب
خوشش آمد و تعجب هم کرد. شاید انتظار
داشت بچه‌ای آن کوچکی یک رنگ شادتر
مایل‌قرمز انتخاب کند اما من عاشق آن
جوجه‌ها، سفید بودم که تمام، منم.

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مواد حل کرده و سپس با یک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

- ۵- بالای کوه- استراق سمع- مساوی عامیانه
- ۶- جامه پوستی- چند کتاب- دمدی
- ۷- همراه چین-! زبان رسمی «کرواسی»- صمیمی، مخلص
- ۸- دفعه‌ها- زادگاه نیمایوشیج- یکرو
- ۹- بزگوار- بازگویی ایده‌ها نون ناشی از خلاقیت- حوضچه حمام
- ۱۰- سرچشمه و گردشگاهی طبیعی در استان فارس- خو گرفتن- رشته‌اتصال پارچه‌ها
- ۱۱- رود «فرانسه»- چند شاعر- در مرتبه دوم قرار دارد
- ۱۲- پرستشگری- کشش- برهنه- شهر کوچک اطراف کلان‌شهرها- امت‌ها
- ۱۳- المایات- قلعه- شریف و محترم
- ۱۴- قطعی برای کتاب- شریف‌سیمان- مسافر پرشهری
- ۱۵- مدافع حب (ژان مارک دژ)، توضیح، صاف

- ۱- آوای گریه- بستی خوشمزه- جوجه تیغی
- ۱۱- آبراش دینی میروان- بی مرزه لوس- عبدالستار نویننام
- ۱۲- همان- (ی) است- سرمربی سابق سایپا- عددهما- تنگه
- ۱۳- پارچه پنبه ای- مخلص- لطافت و طرافت
- ۱۴- پارچه فروشی- حسابرس- متشکرم
- ۱۵- نمد زین- اثری از (لودوویگو آریوستو) شاعر و کمدی نویس ایتالیایی

♥ عمودی:

- ۱- از نژاده نامی- سریالی به کارگردانی «محمد رضا حاجی غلامی» (۱۴۰۰)
- ۲- سد (مصر)- ترشحات دهان- مراد
- ۳- محلول حشره کش- واحد مسافرتی در انگلیس- از مصالحت خاتمانی
- ۴- کوموتو- باوقا- نت- نجم- در خور فروخته

▲ آفتی:

- ۱- سخن گفتن با عامل کردن تفاوت زیادی دارد و معلوم بسیار سخت تر است- استوار
- ۲- درخشان- آغاز کلاس فلسفه- ممتاز- مدام نشستن
- ۳- آیین وفاق- قائم- تأیید پست اینترنتی- شعبه ای از دریا

بین دو خشکی

- ۴- ذره باردار- صمغ معطر- بارچاهی نخی- بزرگ
- ۵- نخس- دو برابر صعد- از انواع زرد آلوا
- ۶- تپیدن- زرد تاریکی ها- طاقچه ای در دیوار
- ۷- از روی بی میلی و اجبار- نادرست و نامربوط- بت

هر سوراپی

- ۸- جاذبه گویا رنگبری استان البرز- فرکانس- پاندول ساعت
- ۹- جاده- کوتاه- سرمربی- از استقلال»
- ۱۰- مادر عرب- آشپزخانه- قطعی برای چاپ کتاب
- ۱۱- یک میلیون درب یک متر- تلخی- روئین
- ۱۲- پسوند پاک کننده- جاندار- حرف مغفولی- مخفف

من را

- ۱۳- یک قسم بارچاهی نخی- خوش اندام- شهرهای ساحلی
- ۱۴- پسر چهارم یعقوب نبی- مفصل پا- رویای شنه لب
- ۱۵- در خانه و ماگرد جهان می گردیم- کنایه از زور و دمو

هرماستان

- ۱- یشتینیایی «فارسی «دوینگ»»
- ۲- ناخوش، بیمار - یارسنگ ترازو ابواب
- ۳- شهری توریستی در استان گیلان - وسط تخم مرغ- مشهور
- ۴- تیز- محله‌ای قدیمی در تهران - من و تومی شویم- عدد درم
- ۵- از بالا به پایین- شهر گلابی- سوپ ایرانی
- ۶- دختر- زنی در موتور ماشین-۱- گیاهی- دارویی با طبیعت گرم
- ۷- راهرو- عضو سفردنوروزی- جهنم
- ۸- به دنیا آمدن- سر آغاز شکست- روشنی‌های ماه
- ۹- زاینه و بقص- موجب سرفاقت‌نگی- مادر خودمانی
- ۱۰- نامی در شاهنامه- تحیف- غوزه‌پوینه
- ۱۱- آخر- کدر- مأمور آب محلات بود
- ۱۲- دوشاب- طرف- دستمزد و مزد- خط تحریری
- ۱۳- بهلولی و کناری- نام کوچک «پاستور»- موزیک نظامی
- ۱۴- طارنکات- دوری از مسابقه- ماه پنجم
- ۱۵- خسوف- کاغذی

[illegible][illegible]

جدول ویژه

افقی: ۱- اثر «مهریک سینگه‌ویچ» - معمول
 پیر مردیم
 ۲- گندمگون - دوبارگی - راننده کشتی
 ۳- همسر اسکندر مقدونی - جان‌بین - تقلب کننده
 ۴- دودا فریگی - زوین - شهری در استان مرکزی - عمل منافق
 ۵- خم بزرگ - گناه کننده - موضع
 ۶- دودند - کمبایی - رئیس میزبانند
 ۷- جذب و کشش - سازی از خانواده ویولون - پسر عرب
 ۸- سنگین - سازمان امنیت - نیم گذشته - یک نوع سبزی خوشبو
 ۹- پسر سام - پاک کردن باب - روستایی در شهرستان سوادکوه

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

			٩			٥		٣
٥		٢	٤					
			٦	٥			٢	٧
						٦	٩	
	٧	٦				٢	٣	
	٥	٣						
١	٣			٧	٦			
					٤	١		٢
٦		٨			٥			

خیلی سخت								
		۷	۶	۹				۳
				۳			۴	۵
					۵	۹		
۷	۹					۲		
	۱						۵	
		۲					۳	۱
		۴	۵					
۲	۶			۱				
۳				۲	۶	۴		

Y	l	d	d	A	b	q	m	b	m	Y	d	A	l	q	A	d
A	b	q	m	l	d	Y	d	A	A	d	q	Y	d	b	m	l
A	d	m	b	Y	q	A	l	l	l	q	m	A	b	Y	d	A
l	m	A	d	q	b	A	Y	d	q	Y	A	b	m	l	A	d
A	b	q	m	l	d	Y	q	l	l	A	Y	d	q	l	A	b
d	Y	A	l	d	m	q	b	A	d	b	m	d	l	A	q	Y
q	A	b	q	d	A	l	m	Y	A	q	d	l	m	A	d	Y
q	A	Y	A	l	d	A	b	Y	A	d	b	A	Y	d	l	A
d	A	l	Y	b	d	A	q	Y	Y	A	l	b	d	q	m	l

آسان								
			۶			۹	۷	
۳		۹				۴		۵
	۲		۹					۸
۶		۳	۸				۴	
۲		۴	۳		۶	۸		۱
	۷				۱	۳		۹
۷					۸		۹	
۹		۶				۵		۷
	۵	۱			۳			

۵	۲		۶			۱		
	۱			۵				۳
			۷			۴		
۸			۲				۹	
۳		۲				۷		۱
	۴				۷			۵
		۸			۳			
۱				۸			۲	
		۵			۶		۳	۹

[illegible]

حدوا، سودكو شما، ۳۸۶۶